

همشهری

حضرت امیر المؤمنین علی؛

کسی که دشمن خود را اصلاح کند، عدد (فرد) خود را زیاد گرداند.

آدان طلهر: ۱۳:۰۵ - غروب آفتاب: ۱۹:۳۶
آدان مغرب: ۱۹:۵۴ - نیمه شب مشرقی: ۰۰:۲۱
آدان صبح: ۵:۰۵ - طلوع آفتاب: ۶:۳۳

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: عبدالله گنجی
مدیر: دبیر، دانیال معمار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچشمه، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۵۶-۱۹۶۶۶ - تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۵۵۴۴
تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۳۳۰۰، شماره فاکس: ۳۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: ماهیگیری
تلفن: ۰۲۱-۷۵۰۰۰۰۰

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروزیون
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آهپا و نیازمندی‌ها:
خیابان قائم مقام قراقرانی، میدان شماع، خیابان شهید خدردی
شماره: ۲۹-۸۸۶۱۸۱۹ - طبقه اول - تلفن: ۸۴۳۳۱۷۰-۸۸۶۱۸۱۹

ادعوی استغاب نگم

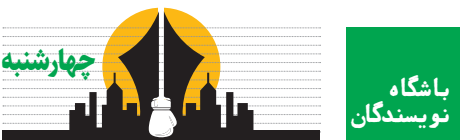
دعای روز یازدهم ماه مبارک رمضان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا فِيهِ الْإِحْسَانَ وَكَرِّهِ إِلَيْنَا فِيهِ الْقِسْوَقَ وَالْعِضْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيْنَا فِيهِ السُّخْطَ وَالتَّيْرَانَ بِغَيْرِ بَيْتِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدا یا دوست گردان به من در این روز نیکی را و ناپسند بدار در این روز فسق و نافرمانی را و حرام کن بر من در آن خشم و سوزندگی را به یاری ات ای دارس داد خواهان.



گرینویچ

افطاری در معابد هند



گجرات - با وجود تلاش‌های تفرقه‌انگیز اخیر برای دور شدن مسلمانان و پیروان سایر ادیان و مذاهب در هند، پیروان ادیان دیگر در این کشور برای پیشگیری از این جریان‌ها و به نشانه اتحاد با مسلمانان از آنها برای مراسم افطار دعوت کردند. برای نمونه به گزارش ایندیا اکسپرس، فقط در گجرات مسئولان چندین معبد و عبادتگاه که قدمت بنای برخی از آنها به ۲۰۰ سال می‌رسد از مسلمانان برای برگزاری مراسم افطار دعوت کردند. انتشار فیلم و عکس‌های این مراسم ابتدا در رسانه‌های هند و سپس در برخی رسانه‌های جهان بازتاب داشت. پس از برپایی این مراسم رهبران دینی درباره لزوم اتحاد میان پیروان ادیان سخنرانی کردند و هر یک اشتراک‌های دینی و مذهبی خود با گروه دیگر را برشمردند. گزارش‌هایی از حمایت‌های جامعه مسلمان از سایر ادیان هم در این سخنرانی‌ها داده شد. پیش از این رهبران دینی، شرکت مسلمانان در جشن‌های سایر هندی‌ها را با لامع اعلام کردند.

هک شدن توسط دزدان دریایی



دبی: در دنیای مدرن، دزدان دریایی هم از قافله عقب‌مانده و برای نمونه سوپر قایق‌های تفریحی را ابتدا هک می‌کنند. به گزارش ایندپیندنت، اگر هرکس کنترل کشتی یا قایق تفریحی را به دست بگیرند، به سرعت آن را بی‌حرکت می‌کنند. سپس برای رهایی از این وضعیت احتمالاً ۱۰ میلیون دلار یا بیش از آن بازپرداخت کنید تا بتوانید دوباره سکان قایق را به دست بگیرید. مارک تی هافمن، تحلیلگر جرم و اطلاعات می‌گوید: «اکثر هرکس دارای هوش بالاتر از حد متوسط هستند. تحصیلات خوبی دارند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایینی ندارند. چرامرکتب جرم می‌شوند؟» خوب بیشتر جرم مربوط به پول است. اما تجارت نیز در میان است که ما آن را رفتار هیجان‌انگیز یا چالش‌برانگیز می‌نامیم. بنابراین آنها احساس باهوش تر بودن از افسر ای و همه متخصصان امنیت سایبری را دوست دارند.

تعریف مرز آلودگی صوتی شهر



ژنو: سرنانجام پس از سال‌ها اختلاف نظر کارشناسان درباره تعریف حد و مرز آلودگی صوتی در شهرها سرانجام (سازمان جهانی بهداشت) World Health Organization یا تعریف آن روی محدوده زیر ۵۳ دسی‌بل به این اختلاف پایان داد. تا پیش از این بسیاری از مقامات و مسئولان کلاس شهرهای جهان زیر بار مسئولیت کاهش آلودگی صوتی نمی‌رفتند. مهم‌ترین دلیل آن نبود تعریف مشخصی از مرز آلودگی صوتی قابل تحمل برای شهرنشین‌ها بود. برای درک این شاخص بد نیست بدانیم یک سشوار معمولی ۱۰۰ دسی‌بل، گفتم‌گو با صدای عادی ۳۰ دسی‌بل و یک اره برقی ۹۰ دسی‌بل صدا تولید می‌کند. به گزارش دویچه‌وله، سازمان جهانی بهداشت می‌گوید مرز قابل تحمل برای وسایل حمل‌ونقل ریلی مانند قطار یا تراموای شهری در طول روز نباید بیشتر از ۵۵ دسی‌بل و برای خطوط هوایی بیشتر از ۴۵ دسی‌بل باشد. این مرزها برای طول شب ۴۵ دسی‌بل برای رفت‌وآمد در خیابان‌ها، ۴۴ دسی‌بل برای حمل‌ونقل ریلی و ۴۰ دسی‌بل برای خطوط هوایی است. سازمان جهانی بهداشت دستورالعمل‌هایی تهیه کرده که به سیاستمداران کمک می‌کند راهکارهایی برای حفاظت بهتر از شهروندان در نظر گیرند. این سازمان توصیه می‌کند با ایجاد راهکارهایی قانونی در ساخت و سازهای شهرها و نیز و گاه‌ها به مرز تحمل صوتی انسان توجه شود.

نگاه سامان رضایی

روزنامه‌نگار

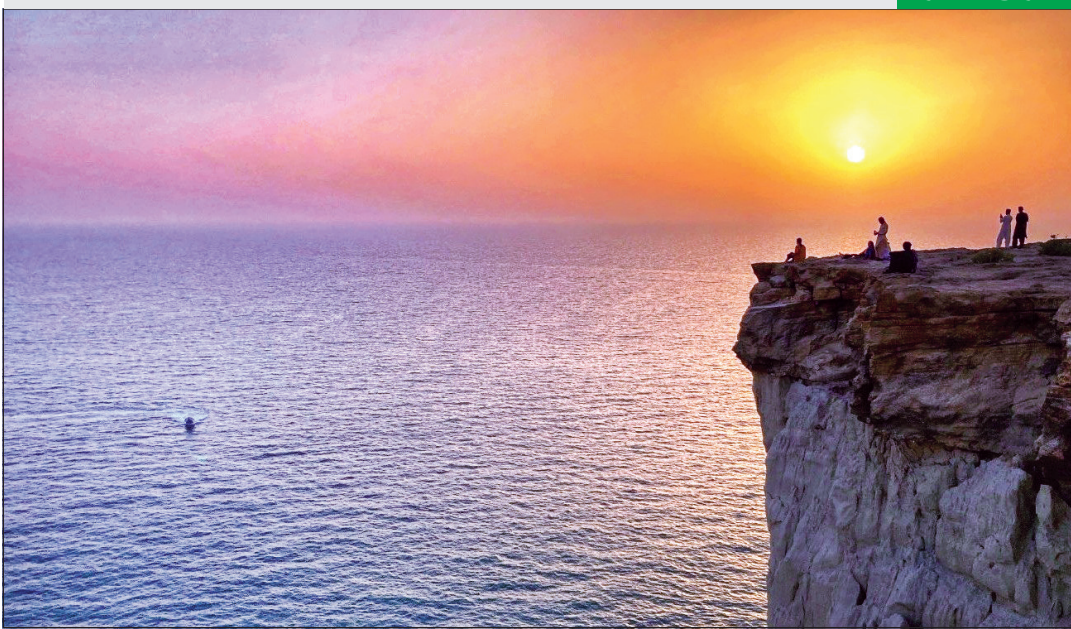
سیاست ممکن است روی تعریف، تأویل و قرائت‌های گوناگون مردم از واقعیت و حقیقتی واحد به صورت موقت اثر بگذارد اما در درازمدت روی اصالت خود ایمن و مفهوم هیچ خللی وارد نمی‌کند، تا آنجا که پس از چندی تاریخ درباره آن واقعیت و حقیقت و تلاش‌های انجام شده برای وارونه نشان دادن آن قضاوتی سخت خواهد کرد. برای نمونه در مسئله سرزمین‌های اشغالی بسیاری تلاش می‌کنند اشغالگری و این ظلم آشکار را وارونه نشان دهند اما با گذشت سال‌ها شرکت‌های بزرگ غیر وابسته به لابی‌های صهیونیستی و حتی گروه‌های موسیقی آزاداندیش و بازیگرهای مطرح سینمای جهان هم



اشغالگرها را محکوم می‌کنند. کار به جایی رسیده است که کاربرهای فضای مجازی توییت کرده‌اند که برخی آمریکایی‌ها به بستنی‌های مشهور بن اندجرس می‌گویند بستنی ضد صهیونیستی. ماجرای این بستنی‌ها زمانی آغاز شد که مسئولان این شرکت تصمیم گرفتند فروش محصولات خود در سرزمین‌های اشغالی را متوقف کنند و سپس در توییت به صراحت برای توقف فروش از عبارت «سرزمین‌های اشغالی» استفاده کردند. پس از

اول آخر

سرزمین غروب‌های خواستی - دماغه بریس سیستان و بلوچستان / عکس: فاطمه عباسی



بیش از ۶۰ تولیدکننده ایرانی در این بازار

قصه شهر

داستان اسباب بازی ۷



فاطمه عباسی

غرفه‌های رنگ به رنگ، چه‌هایی که از هر طرف به سمت غرفه‌ها می‌دوند و اسباب‌بازی‌هایی که قرار است در نبرد با بازی‌های کامپیوتری و موبایلی، خودی نشان بدهند؛ اینجا هفتمین نمایشگاه و جشنواره ملی اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. جشنواره ملی اسباب‌بازی معمولاً بخش‌های متنوعی دارد که شامل برگزاری نشست‌های علمی و تحلیل از اسباب‌بازی‌های برتر سال است و یک بخش از این جشنواره هم مربوط به نمایشگاه فروش اسباب‌بازی است، به این شکل که تولیدکننده ایرانی در این بازار



محل نمایشگاه ملی اسباب‌بازی اجرای زنده خواهند داشت. انطور که آیدین مهدی‌زاده، دبیر جشنواره گفته اسباب‌بازی‌های موجود در این دوره نسبت به سال‌های گذشته از کیفیت بالاتری برخوردار هستند، دلیلش هم این است که رویکرد کلی جشنواره امسال بر یک جریان کیفی است و تمامی اسباب‌بازی‌ها استاندارد بوده و خانواده‌ها

بوک مارک

روزها و رؤیایها

پیام بزدا نجو می‌گویند «یک عکس به قدر هزار کلمه حرف می‌زند». این گفته همان قدر اعتبار دارد که «یک نوشته به قدر هزار عکس دیدنی‌دار». «آر تساط عکس‌ها، نوشته‌ها و تصویرها، معادله‌ای بی‌زمان است. و با این حال، ارتباط نامتوازن این دو، محصول زمانه ماست. استغان مالا، شاعر فرانسوی، گفته بود: همه چیز دنیا برای این وجود دارد که روز و روزگاری به نوشته‌ای در کتابی مبدل شود. به نظر سوزان سانتاگ، نویسنده و منتقد آمریکایی، اما همه چیز دنیا برای این وجود داشت که روز و روزگاری در عکسی ظهور کند. با این همه، هیچ‌کس از همه چیز دنیا خبر ندارد، حتی در زمانه ما. هیچ‌کس همه چیز دنیا را ندارد، حتی در زمانه ما.

دیالوگ

آسمان زرد کم‌عمق

وقتی زنگ زدی، تویی مطب و روانشناسه بودم. گذاشت صدای تلفنتو بشنوم، بهش گفتی اون روز مسافرت همه چی خیلی قشنگ بوده. فکر کردی کاش همه چی همون قد قشنگ بمونه، دلت می‌خواست همه چی همون قد قشنگ تموم بشه. من ازت می‌ترسم غزل! می‌ترسم اون روز فرمون رو عمداً پیچونده باشی.

بهرام کولگی

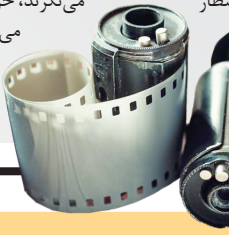
دغدغه

عکس‌های شنیدنی



مریم صالحی

عکس‌ها حرف می‌زنند و این روزها شاید بیشتر از همیشه حواس آدم‌ها به حرف و حدیث عکس‌هاست. روزگاری نه چندان دور تماشای عکس‌ها محدود بود به زمانی که در تنهایی خویش هوس می‌کردیم که ته می‌کشید، البوم‌های خانوادگی را ورق می‌زدیم. البوم‌ها با جلدهای اعلا دست‌به‌دست می‌گشتند و با احتیاط ورق می‌خوردند. ما آدم‌های توی عکس‌ها را با چشم‌های خیره به دوربین تماشا می‌کردیم و روایتی روشن از احساساتشان در مراسم، مهمانی‌ها، سفرها، گمدها و گاه ساعت‌های بسیار معمولی در روزمرگی‌هاشان درمی‌یافتیم. دختر بچه‌ها شیفته عکس‌های عروسی بودند. عروس‌های سیاه و سفید با رنگی، با تور، تاج و پیراهن‌های گیپور و ساتن و کیک‌های چندطبقه یک طرف و خیل آدم‌هایی که با لبخند ایستاده بودند کنار عروس و داماد یک طرف، التهاب انتظار برای چاپ عکس‌ها هم خود حکایتی دیگر بود. بعضی وقت‌ها یک حلقه بیست و چهار یا



۳

مادر نمک را ریخت کف دستش و به زور ایستاده به ما که رنگمان به‌صورت برگردد و ملیحه و آذر و سیمین را دیدم که از ترس قره، دویدند سمت زیرزمین و سنگر گرفتند. پدر اما خوش‌خوشان بود و وقتی نان روغنی برشته را انداخت توی سفره، به قره نهیب زد که «یالله لخت شو». منظورش بی‌زاد نبودن بود. البته قره، معنی آن را نمی‌دانست و به عمرش نپوشیده بود. ما در زیرزمین مثل سگ می‌لرزیدیم و به پدر گلابی می‌کردیم که چرا سفره رمضان آن‌هم نخستین روزه‌ها را این شکلی کوفت‌مان کرده است اما او می‌گفت قره هم آدم است و او را دم افطار از تونل‌های چای کنار دم «لب قره» که محل خواب و لگردها بود صدا کرده و آورده است که اطعام دهد. مادر گفت یعنی هیچ‌کس را در این شهر برای اطعام پیدا نکردی؟ و پدر تکیه کرد که «اینکه چیزی نیست. شب قتل هم می‌خواهم «ذلی خجَه» و ابابورم» که از تیمارستان فرار کرده بود و معمولاً در «دانش‌درینه» و پیلان و سرگردان بود و موهای تیغ‌ش‌اش همه را می‌ترساند و بچه‌محصل‌هایی که آذنت می‌کردند را با سنگ می‌زد و فحش می‌داد.

۴

آن شب حال پدر عجیب خوب بود و نشست با قره روزهاش را باز کرد و ما از زیرزمین، تلاقی صدای خنده پدر و قره را مدام شنیدیم و زیرچادر مادر پنهان شدیم. آن روز نه مادر افطارش را باز کرده تا ما از وحشت و ترس، فاشی فرنی از گلوبان پایین رفت چه رسد به کباب‌شامی. قره خورد و خورد و خندید و خندید و خندید و قیقه زده. برای قره لقمه‌های چوپانی گرفت. هی قربان صدقه‌اش رفت. هی دورسرش گشت. هی سر به سرش گذاشت که احساس غریبی نکند. وقت رفتن هم پنج تا کباب‌شامی توی ده تالوایش چپاند که این هم مال خود و سگ‌هایت. خدا می‌داند اگر آن وقت شب، کسی قره را در کوچه می‌دید رسماً زهره ترک می‌شد و خوش می‌افقار گردن ما. این را خدا خودش می‌داند و می‌داند که این شاهانه‌ترین سفره افطار پدر بود.

آخر مصور



خوشونت باز می‌گردد: اثر: بوراک کلس